

تحلیلی بر عوامل موثر بر سرمایه گذاری در منابع فقه اسلامی

رضا قاسمی نژاد^۱ | سید امیر سخاوتیان^۲ | حسین عندلیب^۳

۱. گروه معارف اسلامی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. رایانامه: r.ghaseminejad@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲. گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: sekhavatian@iau.ac.ir

۳. گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: hoseinandalib@iau.ac.ir

چکیده

در حالی که حوزه اقتصاد اسلامی به طور گسترده به مقولات ثروت، مالکیت و کسب و کارهای متعارف پرداخته، تبیین نظام مند عوامل فزاینده سرمایه گذاری، همچنان با خلأ تبیینی و نظری مواجه است. با تکیه بر جامعیت دین و پویایی فقه اسلامی در پاسخگویی به مقتضیات زمان و مکان و حوزه اقتصاد، این پرسش اساسی مطرح است، رهیافت و نگاه فقه اسلامی به عوامل افزایش سرمایه گذاری چیست؟ این عوامل کدامند؟ پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای و واکاوی در متون فقهی، نشان می‌دهد که منظومه عوامل محرک سرمایه گذاری در فقه اسلامی بر ارکانی چون، سرمایه گذاری خطرپذیر (با رعایت قیود شرعی)، مشروعیت فعالیت‌های اقتصادی، هدایت و حمایت حاکمیت اسلامی، توسعه زیرساخت‌های ساختاری و بستر ساز تولید، بهینه سازی متغیرهای بخش پولی و حقیقی، اتخاذ سیاست‌های مالیاتی کارآمد نظیر خراج، زکات و خمس، سیاست‌های پولی و مشوق پس انداز و استقرار بسترهای امنیتی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی جهت صیانت از مالکیت استوار است.

کلیدواژه ها: تحلیل، عوامل موثر، سرمایه گذاری، فقه اسلامی.

۱. مقدمه

سرمایه گذاری اقتصادی به عنوان پیشران اصلی هدایت نقدینگی به سوی تولید و شکوفایی کسب و کار، در هر دو نظام متعارف و اسلامی از جایگاهی مهم و اثر گذار برخوردار است. اهمیت این موضوع در رشد تولید، اشتغال زایی و تامین رفاه عمومی به قدری است که رکود سرمایه در آموزه های اسلامی نه تنها مذموم، بلکه به منزله نابودی دارایی تلقی می شود (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۶۰۰). در منظومه فکری اسلام، اموال و سرمایه های مادی مایه قوام جامعه و تداوم حیات دین باوری هستند؛ لذا تاکید قرآن کریم بر عمران و آبادانی زمین و سیره معصومین در ترویج تجارت و صنعت، نشان دهنده نگاه متعالی دین به پویایی اقتصادی است. با این حال، دستیابی به یک نظام اقتصادی جامع فراتر از گردآوری پراکنده آیات بوده و نیازمند استنباطی دقیق و اجتهادی از منابع چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل است تا ظرفیت های فقهی در حمایت از سرمایه گذار به درستی شناسایی شود. ضرورت کنونی جامعه ایجاب می کند که پیوند میان سرمایه گذاری با مفاهیمی همچون عدالت، تکافل اجتماعی

و نیت خیرخواهانه تبیین گردد تا خلاهای نظری و اجرایی موجود مرتفع شوند. بر این اساس، چالش اساسی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است، شناسایی عوامل و مولفه هایی در فقه اسلامی است که موجب تحرک بخشی به منابع مالی و افزایش سرمایه گذاری های مشروع و مولد در بدنه اقتصاد می گردند.

پیشینه پژوهش در حوزه سرمایه گذاری در فقه اسلامی بیانگر تنوع رویکردها و تلاش برای انطباق الگوهای نوین با موازین شرعی است؛ در این راستا، ترابی اسفینایی و همکاران (۱۴۰۱) به امکان سنجی سرمایه گذاری جسورانه و آسیب شناسی قراردادهای مالی پرداخته اند و میرمعزی (۱۳۸۸) با تبیین مفهوم هزینه فرصت، جایگاه آن را در اقتصاد اسلامی واکاوی کرده است. همچنین، رضازاده (۱۳۹۱) بر مبانی فقهی و ضرورت بهره گیری از سرمایه گذاری خارجی تاکید ورزیده و موسویان (۱۳۷۶) در اثری جامع، ابزارهای مالی و الگوهای عملیاتی بازار سرمایه اسلامی را بر اساس اصول فقهی طراحی و پیشنهاد کرده است. با وجود این تلاش های ارزشمند، پژوهش حاضر از سه منظر ساختاری، رویکردی و هدف گذاری، متمایز از مطالعات پیشین است: نخست از حیث محتوا، در حالی که تحقیقات گذشته غالباً به کلیات یا قالب های خاص سرمایه گذاری پرداخته اند، این مقاله به دنبال شناسایی و تحلیل دقیق عواملی است که موجب رشد و توسعه سرمایه گذاری در چهارچوب فقهی می شوند، نظیر متغیرهای بخش پولی، حقیقی و سیاست های مالیاتی. دوم، از منظر رویکردی، این مطالعه با نگاهی جامع و فرارشته ای، استخراج متغیرهای موثر بر افزایش سرمایه گذاری را هدف قرار داده است، برخلاف سایر پژوهش ها که معمولاً بر یک جنبه خاص تمرکز داشته اند. در نهایت، تفاوت اساسی این پژوهش در روش شناسی آن نهفته است که با بهره گیری از تحلیل های فقهی و کیفی، شناسایی عوامل اساسی و زیرساختی مرتبط با سرمایه گذاری را به عنوان هدف غایی دنبال می کند تا خلأ موجود در تبیین مولفه های محرک سرمایه گذاری مشروع را مرتفع سازد.

۲. مفهوم لغوی سرمایه گذاری

مفهوم سرمایه گذاری در ادبیات اقتصادی به معانی گوناگونی چون افزودن به موجودی دارایی های واقعی (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۴۰) یا تملک دارایی های مالی نظیر سهام و اوراق بهادار (فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۱۰۷۸) تعبیر شده است. هرچند در فقه امامیه تعریف اصطلاحی واحدی برای سرمایه گذاری توسط فقها ارائه نشده، اما مصادیق عملیاتی آن در قالب چهار گروه عمده شامل قرض الحسنه، عقود مبادله ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و ضمان)، عقود مشارکتی (مضاربه، مساقات و مزارعه) و سرمایه گذاری مستقیم مورد شناسایی قرار گرفته است. واکاوی منابع و حیانی نشان می دهد که ضرورت تشکیل سرمایه و تخصیص منابع به بخش تولید، ریشه در تکلیف الهی مبنی بر عمران و آبادانی زمین دارد که تحقق آن بدون سرمایه گذاری مادی امکان پذیر نیست (کشف، ۹۴-۹۷). همچنین در سنت معصومین (ع)، رکود دارایی و «مال خاموش» مذموم شمرده شده و بر ضرورت تبدیل آن به سرمایه های مولد نظیر ساخت ابنیه و بستان تاکید شده است (شیخ صدوق، ۱۴۲۲ ق،

ج ۲، ص ۱۷۰). برآیند آیات و روایات بیانگر این مطلب است که سرمایه گذاری در نگاه فقهی، به معنای به جریان انداختن مال در مسیر بهره برداری، انتفاع و فراهم سازی بستر رشد و نمو دارایی است.

۳. عوامل موثر بر افزایش سرمایه گذاری

عوامل موثر بر افزایش سرمایه گذاری منظومه ای از متغیرهای رفتاری، نهادی و زیرساختی را در بر می گیرد که هر یک نقش تعیین کننده ای در پویایی چرخه تولید ایفا می کنند. این محرک ها شامل مواردی چون پذیرش ریسک عقلایی به عنوان جوهره فعالیت اقتصادی، احراز مشروعیت فقهی فعالیت ها، و نقش حمایتی و هدایتی دولت در تنظیم بازار است. همچنین، توسعه راه ها و زیرساخت های مواصلاتی به همراه تقویت بسترهای مبادله ای در بازار، زمینه ساز تسهیل جابجایی سرمایه و کالا می شود. در کنار این موارد، بهره مندی از نیروی کار ارزان و کارآمد، تنظیم سیاست های مالی هوشمندانه و اتخاذ رویکردهای پولی و تشویق به پس انداز، ارکان اصلی توسعه سرمایه گذاری را تشکیل می دهند که در ادامه به تبیین تفصیلی هر یک پرداخته خواهد شد.

۳.۱. پذیرش ریسک عقلایی (سرمایه گذاری خطرپذیری)

پدیده ریسک به عنوان یکی از کلیدی ترین ارکان تصمیم گیری در حوزه های مالی و فعالیت های اقتصادی شناخته می شود (مصباحی مقدم و صفری، ۱۳۸۸). ریسک پذیری در سرمایه گذاری از منظر فقه اسلامی با مفاهیمی نظیر غرر، ضمان و عقود مشارکتی پیوندی عمیق دارد. برخلاف تصورات رایج، فقه نه تنها ریسک را به طور مطلق نفی نمی کند، بلکه در چهارچوبی مشخص، آن را مشروع و حتی برای پویایی اقتصاد لازم می داند (مصطفوی، حبیب زاده و تقی پور، ۱۴۰۳). تمایز اصلی در این رویکرد، میان ریسک عقلایی و غرر نهفته است؛ در حالی که معاملات مبتنی بر ابهام فاحش و خطر (غرر) ممنوع هستند، ریسک های مدیریت پذیر و پیش بینی شده در قالب هایی همچون مضاربه، مشارکت، اجاره و وکالت مورد پذیرش قرار گرفته اند. از دیدگاه شرعی، ریسک هایی که ماهیت مولد داشته و به اشتغال و تولید منتهی شوند، تا زمانی که در قالب عقود صحیح انجام پذیرند، کاملاً مشروع تلقی می شوند. بنابراین، فقه اسلامی با فراهم آوردن بسترهای قراردادی نظیر مضاربه و وکالت با اجرت، امکان سرمایه گذاری در شرایط عدم قطعیت را فراهم می آورد تا بدون سقوط در ورطه قمار یا غرر، محرک های اقتصادی به سوی شکوفایی حرکت کنند. این نگاه واقع بینانه نشان می دهد که شجاعت در پذیرش ریسک های سنجیده، زیربنای رشد ثروت در سایه فقه اقتصادی اسلام است.

۳.۲. مشروعیت فعالیت اقتصادی

یکی از مهم ترین عوامل افزایش سرمایه گذاری در فقه اسلامی، مشروعیت فعالیت اقتصادی است. سرمایه گذاری باید در حوزه هایی انجام شود که از نظر شرعی مجاز باشند؛ مانند تولید کالاهای حلال، خدمات عمومی و رفاهی، فعالیت های

کشاورزی، صنعتی، آموزشی و درمانی، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های حرام مانند تولید مشروبات الکلی، قمار، یا ربا، نه تنها ممنوع بلکه موجب فساد اقتصادی و اجتماعی است. (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ص ۱۵۰) در منابع فقهی فعالیت‌های اقتصادی مشروع و حلال و ممنوع و حرام در باب مستقلی با عنوان مکاسب محرمة به آنها اشاره شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۰؛ شیخ انصاری، ۱۳۹۲، ص ۱۵)

۵.۳. حمایت و هدایت دولت

حکومت اسلامی از طریق بسترسازی برای شفافیت، سلامت اقتصادی و کارآمدسازی نهادها، نقشی بنیادین در تسهیل و افزایش سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند (مرتضوی کاخکی و همکاران، ۱۴۰۴). شفافیت اقتصادی در این نظام بر چهار رکن دسترسی همگانی به اطلاعات، قابلیت اتکا، به موقع بودن و پرهیز از کتمان عامدانه استوار است. این اصول در ابواب مختلف فقه اقتصادی در قالب احکام الزامی (نظیر وجوب ذکر عیوب کالا و حرمت دروغ، غش، تدلیس و احتکار) و احکام غیرالزامی (مانند استحباب کتابت قرارداد، شاهد گرفتن و شناخت دقیق بازار و کراهت اموری چون تلقی رکنان و معامله در تاریکی) تبلور یافته‌اند (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر این، نظام اقتصادی اسلام از مجموعه‌ای از نهادهای هماهنگ تشکیل شده است که با حفظ مبانی مکتبی، جامعه را به سوی اهداف اقتصادی سوق می‌دهند (نمازی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۹). این ساختار نهادی در دو بخش دولتی و غیردولتی قابل تحلیل است؛ بخش دولتی شامل نهادهای اجرایی (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه) و نهادهای غیراجرایی (نظارتی، سرمایه‌گذاری و رفاه عمومی) است (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۴۴) و بخش غیردولتی، بنگاه‌های اقتصادی، بازارهای کار و سرمایه و نهادهای مشارکت مردمی نظیر هبه، صدقات و وقف را در بر می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۷۹). دولت موظف است با نظارت دقیق بر رعایت موازین شرعی، جلوگیری از تخلفات و اشاعه فرهنگ تقوا در این نهادها، امنیت و کارآمدی لازم را برای جذب و صیانت از سرمایه‌گذاری‌های مولد فراهم آورد.

۳.۴. توسعه راه‌ها و زیرساخت‌های مواصلاتی

توسعه راه‌ها و شبکه‌های مواصلاتی از جمله عوامل زیرساختی و حیاتی در تسهیل مبادلات و ترغیب به سرمایه‌گذاری است که نقش آن در تکامل جوامع بشری انکارناپذیر است. قرآن کریم به عنوان نخستین منبع فقهی، در آیاتی به این موهبت اشاره کرده و ایجاد راه‌های گوناگون در دل کوه‌ها و زمین را از نشانه‌های قدرت و تدبیر الهی برای انتفاع بشر برمی‌شمارد (فاطر/۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۲، ص ۸۹). واژه «جُدَد» در این آیه که به معنای جاده و مسیر است، بر اهمیت وجودی راه‌ها در نظام خلقت دلالت دارد (قراقرتی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۴). در سیره نبوی نیز اهتمام به گسترش شبکه‌های ارتباطی میان مناطق مسکونی به وضوح دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) حتی در شرایط جنگی از تنگ کردن راه‌ها و سد معابر ممانعت می‌فرمودند (کتانی، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۸۲). از منظر تحلیل اقتصادی، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی با کاهش هزینه‌های جابه‌جایی و تسهیل دسترسی به بازارها، بستر لازم را برای شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های کلان فراهم می‌کند. بر همین اساس و با توجه به تکالیف

مالی در اسلام نظیر خمس و زکات، دولت اسلامی موظف است بخشی از این منابع را در جهت ایجاد و نگهداری راه‌ها به کار گیرد تا پویایی اقتصادی و امنیت سرمایه تأمین گردد.

۳.۵. توجه به زیر ساخت های مبادله ای در بازار

یکی از برجسته‌ترین اقدامات زیرساختی در عصر علوی که تحولی اساسی در نظام مبادلات ایجاد کرد، ضرب سکه به نام دولت اسلامی توسط حضرت علی (ع) بود (عاملی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۷-۱۳۷). تا پیش از آن، اقتصاد قلمرو اسلامی متکی بر سکه‌های ایرانی و رومی بود؛ اما با این اقدام، نه تنها استقلال اقتصادی تثبیت شد، بلکه تسهیل مبادلات در بازار مسلمین شتاب گرفت. شواهد تاریخی و مسکوکات باقی‌مانده از آن دوران که مزین به شعائر توحیدی و رسالت نبوی و دارای مشخصات زمانی و مکانی ضرب (مانند درهم ضرب‌شده در بصره به سال ۴۰ هجری) هستند، گواهی بر این مدعا است (کتانی، ۱۴۱۱، ص ۴۱۳-۴۲۸). این اقدام افزون بر جنبه‌های حاکمیتی، نشان‌دهنده دستیابی مسلمانان به دانش فنی ذوب فلزات و ریخته‌گری در آن مقطع است و برخلاف مشهور، پیشگامی در ضرب سکه اسلامی را به جای دوره عبدالملک بن مروان، به عصر خلافت امیرالمؤمنین (ع) بازمی‌گرداند (مرتضی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۳۷). از منظر تحلیل فقهی و اقتصادی، این سیره نشان‌دهنده ضرورت فراهم آوردن کارآمدترین و سهل‌ترین ابزارهای تبادل مالی برای سرمایه‌گذاران است؛ چرا که پویایی بازار و رغبت به سرمایه‌گذاری، مستلزم وجود نظامی پولی است که امنیت، سهولت و شفافیت را در معاملات تضمین کند.

۳.۶. نیروی کار ارزان و کارآمد

نیروی انسانی کارآمد در کنار ابزار و امکانات، رکن بنیادین موفقیت در عرصه‌ی سرمایه‌گذاری است و آموزه‌های وحیانی، معیارهای دقیقی را برای شناسایی و به‌کارگیری این سرمایه‌ی حیاتی ترسیم کرده‌اند که نخستین آن‌ها، تلازم «تخصص» و «امانت‌داری» در مدیریت است؛ چنان‌که قرآن کریم در داستان حضرت یوسف (ع)، ترکیب دو ویژگی «حفیظ» (امانت‌دار) و «علیم» (متخصص) را پیش‌نیاز تصدی پست‌های حساس اقتصادی معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که پاک‌دستی بدون دانش فنی برای پیشبرد اهداف اجتماعی کافی نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵). در مرتبه‌ی بعد، نفی تنبلی و سستی به عنوان عاملی بازدارنده در مسیر پیشرفت مطرح است؛ چرا که تکامل جوامع در گرو پیوند فعال میان مواهب طبیعی و توان فکری و فیزیکی بشر است (ملک/ ۱۵) و در منطق روایی، فرد باید با دوری از رذیلت تن‌پروری و اتکا به دسترنج خویش، از تحمیل معاش خود بر دیگران پرهیزد، زیرا سستی در امور دنیوی نه تنها به اقتصاد آسیب می‌زند، بلکه ریشه‌ی کاهلی در امور معنوی نیز به شمار می‌رود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۲۸۰). سومین شاخصه، پذیرش مسئولیت بر اساس سقف توانمندی و تخصص است؛ به گونه‌ای که در نظام اقتصادی اسلام، انجام کاری که فرد در آن مهارت و آمادگی لازم را ندارد، به دلیل اتلاف وقت و سرمایه و رکود تولید، در حکم خیانت و ضایع کردن حقوق دیگران قلمداد شده است (همان، ج ۵، ص ۳۰۱)؛ بر همین

اساس، هرگونه مداخله‌ی غیرکارشناسانه در فرآیندهای اقتصادی، طبق هشدار نبوی، بیش از آنکه اصلاح‌گر باشد، منجر به تخریب و فساد در زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری خواهد شد (همان، ج ۱، ص ۴۴)

۳.۷. فراهم کردن سیاست‌های مالی (توجه به کمیت و کیفیت مالیات، جمع‌آوری، و هزینه کرد آن)

سیاست‌گذاری مالی در فقه اسلامی، با تأکید ویژه بر ابعاد کمی و کیفی مالیات، یکی از ارکان استوار مدیریت اقتصادی است که کامل‌ترین الگوی اجرایی آن در سیره نبوی و علوی تجلی یافته است. در این رویکرد، مالیات تنها یک ابزار درآمدی برای دولت نیست، بلکه ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی، بازتوزیع ثروت و تقویت زیرساخت‌های عمومی محسوب می‌شود. بررسی دقیق سیره معصومین (ع) نشان می‌دهد که در تعیین نرخ‌ها و روش‌های جمع‌آوری مالیات، همواره توان اقتصادی مؤدیان، پایداری منابع تولید و حفظ کرامت انسانی لحاظ می‌شده است؛ این الگو بر مدار تعادلی حرکت می‌کند که در آن، مصالح حاکمیت اسلامی در تأمین بودجه‌ی خدمات عمومی با ضرورت حمایت از سرمایه‌گذار و تولیدکننده به شکلی هم‌افزا پیوند خورده است، تا ضمن تأمین عدالت مالیاتی، انگیزه برای فعالیت‌های مولد اقتصادی نیز تقویت گردد.

۳.۷.۱. ماهیت و دامنه شمول مالیات

الف) خراج

نظام خراج در صدر اسلام به عنوان یکی از کلیدی‌ترین سازوکارهای مالیاتی برای زمین‌های کشاورزی و باغستان‌های تحت مالکیت عمومی یا اراضی مفتوح‌العنوه شناخته می‌شود که تمامی بهره‌برداران، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، موظف به پرداخت حق بهره‌برداری یا اجاره‌بهای آن بودند (ابن هشام، ۱۳۶۳، ص ۲۳۱). انعطاف‌پذیری در نرخ‌گذاری بر اساس نوع محصول و کیفیت زمین، ویژگی برجسته این نظام بود؛ به‌طوری‌که پیامبر اکرم (ص) خراج نخلستان‌ها را متناسب با بازدهی آن‌ها تعیین می‌فرمود و حضرت علی (ع) نیز با تدوین نظامی دقیق برای اراضی حوضه فرات، نرخ‌ها را از یک‌سوم درهم برای زمین‌های کم‌حاصل تا ده درهم برای تاکستان‌های بارور متغیر ساختند تا عدالت مالیاتی محقق گردد (اجتهادی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۵). این رویکرد هوشمندانه نه تنها تأمین‌کننده بودجه عمومی دولت بود، بلکه با ایجاد انگیزه در کشاورزان و جذب سرمایه‌گذاران غیرمسلمان، موجب ارتقای بهره‌وری تولید، توسعه زیرساخت‌های آبیاری و رونق بازار محصولات زراعی شد؛ امری که نشان‌دهنده پیوند عمیق میان سیاست‌های مالیاتی متناسب و رشد پایدار در بخش‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری است.

ب) زکات

زکات در نظام اقتصادی صدر اسلام به عنوان یک سازوکار مالی جامع، با پوشش دادن دارایی‌های نقدی (دینار و درهم حاصل از تجارت و پیشه‌وری) و درآمدهای کالایی (محصولات زراعی و دامی)، تمامی بخش‌های کلیدی مولد را در بر می‌گرفت. اخذ زکات از سکه‌های مسکوک در واقع مالیاتی بر درآمدهای ناشی از فعالیت‌های صنعتی و تجاری بود، در حالی که در

بخش کشاورزی به دلیل جریان غیرنقدی، این فریضه مستقیماً از محصولات دریافت می‌شد. نظام‌مندی این ساختار مالیاتی در سیره نبوی با اعزام کارگزاران متخصص در سال نهم هجری برای جمع‌آوری دقیق منابع به کمال رسید (آیتی، ۱۳۵۹، ص ۵۷۱). این الگو فراتر از یک ابزار تأمین بودجه عمومی، با جلوگیری از رکود دارایی‌ها و ایجاد انگیزه برای به جریان انداختن ثروت در مسیر تولید، نقش شتاب‌دهنده‌ای در بازتوزیع منابع و جهش سرمایه‌گذاری ایفا می‌کرد.

ج) خمس

خمس به عنوان یکی از تکالیف هدفمند مالی در اسلام، ریشه در آیه ۴۱ سوره انفال دارد که بر اساس دیدگاه فقهای شیعه و با استناد به معنای گسترده واژه‌ی «غنیمت»، تمامی دستاوردهای اقتصادی اعم از سود حاصل از تجارت، صنعت، کشاورزی و سرمایه‌گذاری را در بر می‌گیرد (میلانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). این حکم شرعی، پرداخت یک‌پنجم از درآمد مشروع و مازاد بر نیاز را بدون در نظر گرفتن نوع فعالیت مولد واجب می‌سازد و در متن وحی، هیچ قیدی جز کسب منفعت و غنیمت برای آن لحاظ نشده است (طبرسی، ۱۴۲۷ ق، ج ۸، ص ۴۹۶). از منظر تحلیل اقتصادی، خمس با بازتوزیع عادلانه ثروت و تقویت قدرت خرید در لایه‌های مختلف جامعه، نقشی کلیدی در کاهش نابرابری و تثبیت پایداری نظام مالی ایفا می‌کند. همچنین، این فریضه با جلوگیری از انباشت راکد دارایی‌ها و ایجاد انگیزه برای گردش فعال سرمایه، منابع مالی لازم برای توسعه زیرساخت‌ها را تأمین کرده و با ارتقای اعتماد عمومی، به عنوان عاملی شتاب‌دهنده در مسیر جهش سرمایه‌گذاری و شکوفایی تولید عمل می‌نماید.

۲.۳.۷.۲ اخذ و شیوه هزینه مالیات

شیوه اخذ و جمع‌آوری مالیات در سیره نبوی (ص) و علوی (ع)، بر پایه‌ی اصول اخلاقی و حفظ کرامت انسانی بنا شده است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۲۵ نهج‌البلاغه، مأموران خود را به تقوا و پرهیز از ارباب مسلمانان فراخوانده و تأکید می‌فرماید که نباید بدون رضایت مالک بر مزرعه او گذر کرد یا بیش از حق الهی از دارایی او ستاند. در این سیره، مأمور موظف است با آرامش و سلام بر مردم وارد شود و تنها بر اساس اقرار داوطلبانه آنان عمل نماید، به‌طوری‌که اگر کسی وجود حق الهی در مالش را نفی کرد، مأمور حق تکرار درخواست یا اعمال فشار را ندارد (نهج‌البلاغه، نامه ۲۵). این رویکرد که با احترام به حریم خصوصی و اموال مردم همراه است، نه تنها پاداش اخروی را نصیب مأمور می‌سازد، بلکه موجب تقویت پیوند اعتماد میان حاکمیت و مردم می‌گردد. در کنار این شیوه عادلانه در وصول، بررسی تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که وجوه بیت‌المال به‌طور راهبردی در مسیر شکوفایی جامعه هزینه می‌شده است؛ این منابع کلی به حوزه‌های حیاتی همچون تبلیغ و ترویج اسلام، ارتقای سطح دانش و فرهنگ، پیشبرد علوم و فنون، انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، تأمین دفاع و امنیت و همچنین برقراری نظام تأمین اجتماعی اختصاص می‌یافت (صدر، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷) که مجموع این فرآیندها، الگویی جامع از یک نظام مالی کارآمد و انسان‌مدار را ارائه می‌دهد.

۳.۸. در نظر گرفتن سیاست های پولی و پس انداز

عامل کلیدی دیگری که در جهش سرمایه گذاری نقشی تعیین کننده ایفا می کند، قرار دادن منابع مالی در اختیار فعالان اقتصادی از طریق شیوه های صحیح و اسلامی، همچون ارائه تسهیلات ارزان قیمت با نرخ های حمایتی است؛ امری که با کاهش هزینه های اولیه، انگیزه و رغبت سرمایه گذاران را به شکلی نظام مند دوجندان می سازد. با واکاوی سیره نبوی (ص) و مبانی فقهی برای استخراج الگویی جامع در این زمینه، درمی یابیم که مسلمانان صدر اسلام برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی و تخصیص منابع، بر معیارهای دقیقی تکیه می کردند که از جمله مهم ترین آن ها می توان به این موارد اشاره کرد

۳.۸.۱. سیاست های تشویقی

ر این شیوه، پس از تحریم ربا، فعالیت های اقتصادی برای مسلمانان تبیین و در ردیف عبادات قرار داده شده است؛ این فعالیت ها شامل موارد زیر است:

۳.۸.۱.۱. قرض دادن

قرض عبارت است از اینکه شخصی مالی را به دیگری به صورت ضمان تملیک کند، به گونه ای که پرداخت مثل یا قیمت آن بر عهده قرض گیرنده باشد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۳۲). این عمل که همان قرض الحسنه است، مستند به آیات قرآن کریم (بقره/ ۲۴۵؛ حدید/ ۱۱-۱۷؛ تغابن/ ۱۷) و روایات متعددی (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۵۴۶) می باشد. قرض الحسنه سبب می شود وام های تولیدی و مصرفی، بر اساس شناخت و اطلاعات کامل اشخاص از یکدیگر، بدون صرف هزینه برای وام رسانی یا تأخیر و انتظار در دریافت، پرداخت شود و متعاقباً بدون تحمیل مخارج پیگیری های قانونی و تشکیلاتی، به موقع بازپرداخت گردد. بدین ترتیب، قرض الحسنه نه تنها یک سازوکار مالی اسلامی است، بلکه با حذف هزینه های مالی اضافی، تسهیل دسترسی به سرمایه، کاهش فشار بر وام گیرندگان و افزایش پویایی اقتصادی، عاملی کلیدی در رشد و جهش سرمایه گذاری محسوب می شود.

۳.۸.۱.۲. وقف

وقف به عنوان نهادی کارآمد در نظام مالی و اجتماعی اسلام، نقشی اساسی در توسعه و شکوفایی جوامع ایفا می کند. این سنت که ریشه در آموزه های دینی دارد، با هدف تقرب الهی و خدمت به خلق، ابزاری برای تأمین منابع پایدار محسوب شده و در قرآن کریم (حشر/ ۹؛ بقره/ ۲۶۱) بر آن تأکید شده است. اگرچه پیشینه وقف به دوران پیش از اسلام بازمی گردد، اما با ظهور این دین مبین، قوام و جایگاهی ویژه یافت؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) با وقف زمینی برای ابن السبیل، شخصاً پیشگام این عمل شدند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۵۶۲). گسترده گی این فرهنگ در صدر اسلام به حدی بود که طبق روایت جابر بن عبدالله انصاری، هیچ صحابه متمکنی یافت نمی شد مگر آنکه بخشی از دارایی خود را وقف کرده باشد (ری شهری، ص ۳۶۳). در این

میان، سیره امام علی (ع) در توسعه موقوفات بسیار برجسته است؛ ایشان با احداث صد چشمه در منطقه «ینبع» برای زائران و حفر چاه‌ها و بنای مساجد در مسیرهای مواصلاتی و شهرهای مختلف، الگویی جامع از وقف را ارائه دادند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۱۸۳). سیر تحول اداری وقف نیز نشان می‌دهد که از دوره بنی‌امیه، مدیریت این اموال به ساختاری دولتی تبدیل شد و در دوران عباسی و عثمانی به اوج اثرگذاری در رفاه عمومی و خدمات اجتماعی رسید (شهابی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۱). از منظر فقهی، وقف به معنای **حس عین مال و تسبیل منافع آن بدون دریافت عوض** است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۴۴۲) که به دو گونه «تملیکی» (تملک منافع برای بهره‌مندی عده‌ای خاص) و «تحریری» (آزادسازی مال بدون تملیک به کسی، جهت استفاده در اموری مانند مسجد) تقسیم می‌شود (حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۹۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۶۷۱). همچنین، وقف بر اساس نوع موقوف‌علیهم به دو دسته خاص (برای افراد معین) و عام (برای مصالح عمومی مانند مدرسه یا عناوین کلی مثل فقرا) دسته‌بندی می‌گردد؛ با این تفاوت که در وقف خاص، وجود مصداق موقوف‌علیه در زمان عقد شرط است، اما در وقف عام وجود آن در همه زمان‌ها ضرورت ندارد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۶۷). این ساختار اقتصادی با حفظ اصل سرمایه و توزیع عادلانه ثمرات آن، علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های عمرانی و تقویت امنیت سرمایه‌گذاری، موجب پویایی بازار، کاهش رکود و حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر می‌گردد.

۳.۸.۱.۳. انفاق

نفاق به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی اقتصادی و اجتماعی در اسلام، به معنای خارج کردن مال از مالکیت فردی و اختصاص دادن آن به دیگری است. این انتقال دارایی می‌تواند در قالب‌هایی چون صدقه، بخشش اموال در راه جهاد، حمایت از امور دینی و یا هر مسیری که مورد تأیید و تأکید الهی باشد، صورت پذیرد (طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۹، ص ۵۱۵). انفاق علاوه بر ابعاد عبادی و معنوی، نقشی بنیادین در پویایی نظام اقتصادی ایفا می‌کند؛ این عمل با تقویت گردش مالی و ایجاد رونق اقتصادی، به کاهش نابرابری‌های معیشتی منجر شده و بستری مناسب برای تشویق به سرمایه‌گذاری‌های اخلاق‌محور در جامعه فراهم

می‌آورد. ۳.۸.۲. عقود و قراردادها

دومین سیاست اقتصاد اسلامی پس از تحریم ربا، وضع عقود و قراردادهایی است که از طریق آن‌ها نیازهای سرمایه‌ای مردم تأمین می‌شود؛ این عقود شامل موارد ذیر است.

۳.۸.۲.۱. بیع نسبه یا فروش اقساطی

در نظام فقهی اسلام، عقد «بیع» به عنوان اصلی ترین ابزار حقوقی در تبادلات مالی، بر اساس زمان تسلیم «بیع» و پرداخت «ثمن»، به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شود که هر یک کارکردهای اقتصادی ویژه‌ای دارند: در «بیع نقد»، کالا و ثمن به صورت هم‌زمان مبادله می‌شوند که این امر موجب تسریع در گردش نقدینگی و کاهش ریسک معاملات می‌گردد. در «بیع نسبه»، کالا به صورت فوری تحویل شده اما پرداخت ثمن به آینده موکول می‌شود؛ این روش با تقویت قدرت خرید در شرایط کمبود

نقدینگی، پویایی تقاضا در بازار را تضمین می‌کند. در مقابل، «بیع سَلَم یا سلف» با پرداخت نقدی ثمن و تحویل مؤخر کالا، ابزاری کارآمد برای تأمین مالی تولیدکنندگان و جذب سرمایه‌های مولد محسوب می‌شود. نوع چهارم، «بیع کالی به کالی» است که در آن هر دو رکن معامله به صورت دین بر ذمه طرفین باقی مانده و تسلیم آن‌ها به آینده موکول می‌گردد؛ این قسم از بیع بر اساس ادله فقهی و نهی از بیع دین به دین، باطل و غیرمشروع تلقی شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۵۸). در مجموع، نظام اقتصادی اسلام با ارائه این الگوهای متنوع، علاوه بر تنظیم حقوقی معاملات، بستری استوار برای کاهش ریسک، توسعه کسب و کارها، تقویت تولید و در نهایت رشد پایدار اقتصادی فراهم آورده است.

۳.۸.۲.۲ عقد مضاربه

مضاربه یکی از قراردادهای مالی در فقه اسلامی است که میان صاحب سرمایه (مالک) و عامل که سرمایه را در فعالیت‌های بازرگانی به کار می‌گیرد، منعقد می‌شود. بر اساس این قرارداد، مالک سرمایه را تأمین کرده و عامل با آن تجارت می‌کند. سود حاصل از این فعالیت اقتصادی بر اساس توافق اولیه میان طرفین تقسیم می‌شود. اما در صورت ضرر، با توجه به توافق طرفین آیا مسئولیت بر عهده مالک است یا عامل (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۶). مضاربه به عنوان یک ابزار مالی اسلامی، نقش مهمی در افزایش سرمایه‌گذاری، رونق اقتصادی، بهینه‌سازی استفاده از منابع مالی و ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی ایفا می‌کند. این قرارداد، ضمن تأمین امنیت مالی برای سرمایه‌گذاران، مسیر توسعه پایدار اقتصادی را هموار می‌سازد.

۳.۸.۲.۳ عقد مشارکت

در نظام فقهی اسلام، قرارداد شرکت به عنوان جایگزینی مشروع برای مناسبات ربوی تبیین شده است. این قرارداد به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: شرکت قهری و شرکت اختیاری؛ شرکت اختیاری زمانی شکل می‌گیرد که افراد با اراده و رضایت خود وارد فرآیند شراکت شوند، مانند مواردی که اموال از طریق حیازت یا قرارداد در مالکیت مشترک شرکا قرار می‌گیرد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص ۲۷۴-۲۷۵). نوع دیگر، شرکت عقدی است که بر پایه توافق میان دو یا چند نفر جهت انجام معاملات و تجارت با سرمایه مشترک استوار است. این عقد علاوه بر تسهیل بهره‌برداری مشاع از اموال، مجوز تصرف و فعالیت تجاری را برای مالکان فراهم می‌سازد (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۹۸). به طور کلی، عقد شرکت در جایگاه یکی از عقود کلیدی اسلامی، نقشی محوری در تجمیع سرمایه‌های خرد، رشد اقتصادی، توزیع ریسک و افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند؛ همچنین این سازوکار با تسهیل دسترسی به منابع مالی و کاهش وابستگی به نظام بانکی ربوی، محرکی اساسی برای نوآوری و کارآفرینی در جامعه محسوب می‌شود.

۳.۸.۲.۴ اجاره به شرط تملیک

قرارداد اجاره به شرط تملیک، یکی از سازوکارهای کارآمد در نظام مالی و حقوقی اسلام است که بر اساس آن، مستأجر با رعایت شروط مندرج در متن قرارداد، در پایان دوره اجاره مالکیت عین مستأجره را به دست می آورد. این فرآیند عملیاتی شامل سه مرحله کلیدی است: نخست، تأمین سرمایه توسط نهاد مالی که طی آن بانک یا مؤسسه مربوطه، مال مورد نظر را خریداری کرده و در مالکیت خود در می آورد؛ دوم، واگذاری سرمایه در قالب اجاره که در آن مال مذکور برای مدتی معین (به طور مثال ده سال) در اختیار مشتری قرار گرفته و وی موظف به پرداخت اجاره بها در فواصل زمانی مشخص می گردد؛ و سوم، انتقال قطعی مالکیت که پس از اتمام دوره اجاره و احراز انجام تمامی تعهدات از سوی مستأجر، مالکیت مال به طور رسمی به وی منتقل می شود (کرمی و پورمند، ۱۳۹۸، ص ۲۲۸). این عقد به عنوان یک راهکار تأمین مالی راهبردی در اقتصاد اسلامی، نه تنها دسترسی به منابع سرمایه ای را تسهیل کرده و به توسعه کسب و کارهای تولیدی کمک می کند، بلکه با توزیع عادلانه ریسک و ایجاد ثبات در نظام پولی، نقشی کلیدی در رونق پایدار اقتصادی ایفا می نماید.

۳.۸.۳. اوراق قرضه و صکوک

در نظام بانکداری بدون ربا، تسهیلات بانکی از منظر فقهی قابلیت تبدیل به اوراق بهادار اسلامی (صکوک) را دارا هستند. ساختار عملیاتی این تسهیلات در قالب های فقهی مشخصی همچون قرض الحسنه، عقود مبادله ای، عقود مشارکتی و سرمایه گذاری مستقیم تدوین شده است که در ادامه به تبیین دقیق هر یک از این موارد می پردازیم.

۳.۸.۳.۱. عقود مبادله

عقود مبادله ای در بانکداری اسلامی شامل فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، معاملات سلف (که پیش تر تبیین شدند) و همچنین خرید دین است. این ابزارهای مالی بر پایه انتقال قطعی مالکیت و تعیین سود ثابت در زمان انعقاد قرارداد استوار بوده و نقش مهمی در تأمین نقدینگی و تسهیل مبادلات تجاری ایفا می کنند.

۳.۸.۳.۱.۱. خرید دین

خرید دین قراردادی است که بر اساس آن، یک تعهد مالی مشخص (دین کلی) در ذمه یک شخص (مدیون) به نفع شخصی دیگر (داین) تثبیت می شود. منشأ ایجاد این دیون می تواند اموری اختیاری باشد، نظیر دریافت قرض، انجام معاملاتی چون بیع سلف (پیش خرید نقدی کالا) و یا ثمن در بیع نسبه (خرید کالا با پرداخت مؤخر)؛ همچنین ممکن است این تعهد به صورت قهری و غیرارادی، مانند الزامات ناشی از ضمان، بر عهده فرد قرار گیرد (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۶۳). از منظر زمان ایفای تعهد، دیون به دو دسته تقسیم می شوند: «دین حال» که بدون تعیین سررسید خاص، در هر لحظه قابل مطالبه است، و «دین مؤجل» که برای پرداخت آن موعد مشخصی در آینده تعیین شده و پیش از رسیدن آن تاریخ، قابلیت مطالبه ندارد (سبزواری، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۵). این سازوکار مالی نه تنها با افزایش نقدینگی و توزیع بهینه ریسک، توان مالی بنگاه ها را ارتقا می دهد، بلکه

با تسهیل در تأمین سرمایه و بهبود مدیریت جریان وجوه نقد، بستری مساعد برای رشد سرمایه گذاری و شکوفایی پایدار اقتصادی فراهم می‌سازد

۳.۸.۳.۱.۲. جعاله

عقد جعاله در فقه اسلامی به عنوان یکی از قراردادهای مبادله‌ای منعطف، بر مبنای استحقاق جُعل (مزد) در برابر انجام کار مشخص تعریف می‌شود؛ این لغت در معنای اصطلاحی، نوعی صیغه معاملاتی برای دستیابی به منفعت در برابر عوض است که در آن، تعیین دقیق میزان کار پیش از عمل الزامی نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۲۴۹). ارکان این عقد شامل «جاعل» (درخواست کننده)، «عامل» (انجام دهنده) و «جُعل» (عوض) است که سازوکار اجرایی آن بر سه محور استوار می‌باشد: نخست آنکه استحقاق عامل برای دریافت مزد، منوط به درخواست صریح جاعل برای انجام فعل است (همان، ص ۱۶۳)؛ دوم، مالکیت عامل بر دستمزد تنها پس از اتمام کامل عمل تثبیت می‌گردد (همان، ص ۲۵۳)؛ و سوم، در صورتی که جعاله به نحو «خاص» برای شخص معینی مقرر شده باشد، صرفاً همان فرد مستحق اجرت خواهد بود (همان، ص ۲۵۳). از منظر اقتصاد اسلامی، جعاله با تقلیل هزینه‌های نظارت و افزایش بهره‌وری، نقشی کلیدی در کاهش ریسک و ایجاد فرصت‌های نوین مالی ایفا می‌کند. این قرارداد با ترغیب سرمایه‌گذاران به مدیریت مؤثر منابع و استفاده بهینه از تخصص نیروی انسانی، بستری پویا برای رونق کسب و کارها، تقویت تولید و در نهایت رشد پایدار اقتصادی فراهم می‌آورد.

۳.۸.۴. قراردادهای مشارکتی

قراردادهای مشارکتی در نظام بانکداری اسلامی مشتمل بر عقود چون مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات است. با توجه به اینکه پیش‌تر به تبیین ماهیت و کارکرد عقد مضاربه پرداخته شد، در این بخش سایر قراردادهای مشارکتی را مورد تحلیل و بررسی فقهی و اقتصادی قرار می‌دهیم.

۳.۸.۴.۱. مشارکت مدنی

در قرارداد مشارکت مدنی، همانند مضاربه و ذیل کلیات عقد شرکت، می‌توان شروط خاصی را ضمن عقد گنجانده که یکی از چالش‌برانگیزترین آن‌ها، شرط پذیرش خسارت احتمالی توسط شریک (مشتري) است. در خصوص صحت شرط بر عهده گرفتن تمام ضرر توسط یکی از شرکا، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند اگر شرط شود تمام سود متعلق به یک نفر باشد، قرارداد صحیح است و به همین ترتیب، اگر شرط شود که تمام یا بخش عمده خسارت بر عهده یکی از طرفین باشد، هم اصل شرکت و هم شرط مذکور صحیح خواهد بود. در مقابل، گروهی دیگر از فقها چنین شرطی را مخالف مقتضای عقد دانسته و قائل به بطلان آن هستند (خیمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۵۷). این مسئله در بانکداری اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تعیین تکلیف نحوه توزیع سود و زیان، مبنای اصلی تمایز میان مشارکت واقعی و معاملات ربوی محسوب می‌شود.

۳.۸.۴.۲. مشارکت حقوقی

«مشارکت حقوقی» به عنوان یکی از روش های کلیدی تأمین مالی، به معنای تخصیص بخشی از سرمایه توسط بانک ها و مؤسسات مالی برای تأسیس شرکت های سهامی جدید و یا خرید سهمی از شرکت های سهامی موجود است (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵). اگرچه این مفهوم در متون فقهی کلاسیک به صورت گسترده و مستقل مورد بحث قرار نگرفته، اما در چارچوب استفتائات معاصر، ماهیت و احکام آن تبیین شده است؛ چنان که امام خمینی (ره) تأکید دارند ثبت مؤسسات و اعطای شخصیت حقوقی به آنها یک توافق عقلایی معتبر است و شروط مندرج در اساسنامه این شرکت ها، در حکم شروط ضمن عقد لازم تلقی می شود (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۸۷). این ابزار اقتصادی با تقویت ساختار شرکت های سهامی و تعمیق بازار سرمایه، نه تنها ریسک های مالی را توزیع کرده و توان سرمایه گذاری را افزایش می دهد، بلکه با ایجاد فرصت های نوین تجاری، بستری استوار برای مشارکت گسترده ذینفعان و دستیابی به توسعه پایدار فراهم می سازد.

۳.۸.۴.۳. مساقات

مساقات نوعی قرارداد مالی در فقه اسلامی است که بر اساس آن، مالک درختان میوه ای که محصول آنها به او تعلق دارد یا اختیار برداشت آن را در دست دارد، این درختان را برای مدت مشخصی به فرد دیگری واگذار می کند. فرد دریافت کننده موظف است در طول این مدت به آبیاری، مراقبت و پرورش درختان بپردازد. در مقابل، وی بر اساس توافق اولیه، سهمی از میوه های تولیدشده را دریافت می کند. این قرارداد یکی از ابزارهای کاربردی در بخش کشاورزی و باغداری محسوب می شود، که به بهینه سازی استفاده از منابع طبیعی و افزایش بهره وری زمین های زراعی کمک می کند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۰۵). مساقات، نه تنها موجب افزایش بهره وری در تولیدات باغی و کشاورزی می شود، بلکه سرمایه گذاران را به ورود به این حوزه ترغیب کرده و زمینه رشد پایدار اقتصادی را فراهم می کند. این قرارداد، با کاهش ریسک مالی و ایجاد شراکت های اقتصادی مؤثر، نقش کلیدی در توسعه سرمایه گذاری دارد.

۳.۸.۴.۴. مزارعه

«مزارعه» در فقه اسلامی قراردادی است که طی آن مالک زمین (مزارع)، اراضی خود را برای مدتی معین در اختیار عامل (زارع) قرار می دهد تا در آن کشت و کار کند و محصول نهایی طبق توافق، به صورت مشاع میان هر دو تقسیم شود؛ در این عقد، مزارع لزوماً نباید مالک عین زمین باشد و می تواند به عنوان وکیل یا ولی مالک نیز اقدام کند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۸۹). در کنار این قالب سنتی، «اوراق مزارعه» به عنوان ابزاری نوین در اقتصاد اسلامی طراحی شده است که به مؤسسات مالی اجازه می دهد با شناسایی، خرید و آماده سازی زیرساختی اراضی (نظیر تسطیح و زه کشی)، زمین را در قالب مزارعه به کشاورزان واگذار کنند. پس از برداشت محصول و تقسیم آن میان زارع و صاحبان اوراق، مؤسسه مالی پس از کسر حق الوکاله، سود حاصله را به سرمایه گذاران بازمی گرداند (موسویان، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴). مزارعه و اوراق مبتنی بر آن، با پیوند میان سرمایه های

خرد و تولیدات کشاورزی، علاوه بر این که موجب ارتقا این بخش می شود، از طریق توزیع ریسک و تأمین نقدینگی، بستری پایدار برای اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی فراهم می‌سازند.

۳.۸.۴.۵. سرمایه گذاری مستقیم

«قرارداد سرمایه گذاری» توافقی مالی است که طی آن، یک طرف سرمایه خود را جهت بهره‌برداری در فعالیت‌های اقتصادی در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد؛ این فرایند می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اجرایی شود. در ساختار «سرمایه گذاری مستقیم»، دو الگوی اصلی وجود دارد: نخست، «سرمایه گذاری مستقیم مستقل» که در آن مالک، تمامی منابع مالی را تأمین کرده و مدیریت اجرایی را شخصاً بر عهده می‌گیرد؛ دوم، «سرمایه گذاری مستقیم مشترک» که در آن سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر با مشارکت هم‌زمان در تأمین سرمایه و مدیریت پروژه، در فعالیت اقتصادی سهم می‌شوند (واقعی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۵۴). این قراردادها با ایجاد انعطاف در تأمین منابع و جذب سرمایه‌های نو، علاوه بر کاهش مخاطرات مالی و تقویت تعاملات اقتصادی، نقشی تعیین‌کننده‌ای، در افزایش نرخ سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار بازارهای مالی ایفا می‌کنند.

۳.۹. عوامل امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری

سیره عملی پیامبر اکرم (ص) بیانگر تدوین برنامه‌هایی نظام‌مند جهت تأمین امنیت اقتصادی سرمایه‌گذاری است؛ چنان که بخشی از مالیات‌های مأخوذه، صرف استقرار این امنیت می‌گردید (واقعی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۵۴). در ساختار اقتصاد اسلامی، مالکیت به سه ساحت دولتی (امام)، عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴) که در این میان، مالکیت خصوصی به عنوان زیربنای امنیت سرمایه‌گذار، رابطه‌ای حقوقی و مبتنی بر عقل، فطرت و ضرورت‌های زیست اجتماعی است. اگرچه اصل این رابطه ریشه در نهاد انسان دارد، اما اسباب پیدایش و حدود آن بر مبنای عدالت اجتماعی تعیین می‌گردد (حسینی، ۱۳۹۴). بر این اساس، اسباب مالکیت خصوصی در فقه اسلامی در دو رده اصلی طبقه‌بندی می‌شوند: نخست، «اسباب تملک ابتدایی» که شامل احیای اراضی موات (خمینی، ۱۳۹۲)، حیازت مباحات (سنه‌وری، ۱۸۹۵، ج ۳، ص ۱۵۴) و تحجیر (طوسی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۴) است؛ دوم، «اسباب انتقالی» که به دو صنف «قهری» و «ارادی» تقسیم می‌گردد. انتقال قهری ناشی از وقایعی خارج از اراده فرد همچون ارث (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۲۷۰)، ارتداد (علامه حلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۲۴) و یا تکالیف مالی نظیر خمس و زکات است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۸۷)، در حالی که انتقال ارادی در بستر قراردادهای متنوعی نظیر بیع، صلح، اجاره، هبه، قرض و جعاله محقق می‌شود (حسینی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۴۵). این تنوع قراردادی، پاسخی حقوقی به پیچیدگی‌های روابط اجتماعی و ضرورت پوشش نیازهای متکثر بشر در واگذاری «عین» یا «منفعت» است که در مجموع، منظومه‌ای منسجم و جامع را برای تضمین کارآمدی و پویایی نظام اقتصادی فراهم می‌آورد (کرمی و پورمند، ۱۳۹۸، ص ۱۲۴).

۴. نتیجه گیری

تحلیل «عوامل افزایش سرمایه‌گذاری در فقه اسلامی» نشان می‌دهد که این نظام بر بستری از موازین شرعی و ساختارهای حاکمیتی استوار است؛ به گونه‌ای که در گام نخست، ریسک‌پذیری ضابطه‌مند با نفی «غرر» و رعایت دقیق شاخص‌های فقهی، ضمن مشروعیت‌بخشی به فعالیت‌ها، مقبولیت و انگیزه لازم برای ورود سرمایه به بازار را فراهم می‌آورد. در این چارچوب، نقش هدایتی و حمایتی حکومت اسلامی در توسعه زیرساخت‌های استراتژیک نظیر شبکه‌های مواصلاتی، بنادر و تأمین امنیت محورهای اقتصادی، محرک اصلی جذب سرمایه‌گذاری و تسهیل فرایند تولید است. همچنین، همگرایی متغیرهای بخش پولی و حقیقی از طریق بازارهای کارآمد و نیروی کار مولد، در کنار سیاست‌های مالیاتی مبتنی بر ماهیت «خراج، زکات و خمس» و نظام صحیح هزینه‌کرد این درآمدها، فضای اقتصادی بهینه‌ای را برای فعالان این حوزه خلق می‌کند. از سوی دیگر، فعال‌سازی ظرفیت‌های پولی و انگیزشی از طریق نهادهایی چون «قرض، وقف و انفاق» و تنوع‌بخشی به قراردادهای فقهی نظیر «قرض الحسنه، بیع نسبه، مضاربه، مشارکت و اجاره به شرط تملیک»، جریان نقدینگی را به سوی بخش‌های مولد هدایت کرده و در نهایت، با استقرار بسترهای امنیتی و نظام حقوقی صیانت از «اسباب قانونی مالکیت»، تضمین لازم برای بازگشت اصل و سود سرمایه را فراهم آورده و منجر به ایجاد یک نظام اقتصادی پایدار، کارا و پویا بر مدار فقه اسلامی می‌گردد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

۱. شیخ صدوق، محمد ابن علی، (۱۳۸۸) توحید شیخ صدوق، قم، علویون.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۲۰) تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، ال علی (ع).

۳. ابن هشام، محمد بن اسحاق، (۱۳۶۳) سیره النبی، مصر، نشر ادب الحوزه.

۴. اجتهادی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳) وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، تهران، سروش.

۵. احمدی میانجی، علی، (۱۴۱۹) مکاتیب الرسول، قم، مطبوعات دار العلم.

۶. آمدی، محمد تمیمی، (۱۳۷۳) شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۷. آیتی، محمد ابراهیم، (۱۳۵۹) تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران.

۸. جعفری، محمد جعفر، (۱۳۹۳) دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، تهران، نشر کتابخانه گنج دانش.

۹. جمعی از نویسندگان، (۱۴۰۴) الموسوعة الفقهیة، قم، دائرة المعارف الفقه الاسلامی.

۱۰. حسینی، سید محمد، (۱۳۹۴) درس نامه های زیر ساخت های اقتصاد اسلامی، قم، نشر بوستان قم.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۲۲) فقه العولمة، بی جا، دراسة إسلامیة معاصرة.
۱۲. امام خمینی، روح الله (ره)، (۱۳۶۸) تحریر الوسیله، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۳. امام خمینی، روح الله (ره)، (۱۳۹۲) توضیح المسائل، قم، روح.
۱۴. خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۷) رساله آموزشی، تهران، انقلاب.
۱۵. راغب اصفهانی، (۱۳۸۱) حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۶. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۸) سیمای اقتصاد اسلامی، قم، موسسه امام صادق (ع).
۱۷. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۳۸۴) مذهب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، قم، دار التفسیر.
۱۸. سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۸۹۵) الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. شیخ انصاری، مرتضی، (۱۳۹۲) مکاسب محرمة، قم، دارالحکمه.
۲۰. شهید اول، محمد بن محمد، (۱۳۸۴) القواعد والفوائد، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰) تمهید القواعد، قم، کتابفروشی داوری.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۲۷) الروضه البهیة، قم، دار التفسیر.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۳۲) مسالک الافهام، قم، نشر موسسه المعارف الاسلامیه.
۲۴. طباطبایی یزدی، سید کاظم، (۱۴۲۱) حاشیه مکاسب، قم، موسسه اسماعیلیان.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۳) مجمع البیان، تهران، فراهانی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۸) المبسوط فی فقه الإمامیه، قم، انتشارات اسلامی.
۲۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹) وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۸. عاملی، محمد جواد، (۱۴۱۹) مفتاح الکرامه، قم، نشر اسلامی.
۲۹. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳) نهاية الأحکام فی معرفه الأحکام، قم، اسماعیلیان.

۳۰. رحمت الله عبدالله زاده، مصعب عبدالهی، حسین غفورزاده، (۱۳۹۶)، شفافیت اقتصادی در اقتصاد اسلامی (پافشاری بر منابع قرآنی و روایی)، دوره ۱۷، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۹۶، ص ۳۳-۶۳.
۳۱. فرهنگ، منوچهر، (۱۳۷۱) فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران، نشر البرز.
۳۲. قرائتی، محسن. (۱۳۷۸) تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۳۳. کرمی، محمدحسین؛ دیرباز، عسکر، (۱۳۸۴) مباحثی در فلسفه اقتصاد، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۴. الکتانی، عبدالحی، (بی تا) نظام الحکومه النبویه، بیروت، دار احیا التراث.
۳۵. کرمی، محمد مهدی، پورمند محمد، (۱۳۸۰) مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت.
۳۶. کلینی، یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۳) الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳) بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۸. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸) شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعیلیان.
۳۹. محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴) جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۴۰. مرتضی، جعفر، (۱۴۰۴) دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۴۱. مرتضوی کاخکی، مرتضی، معلمی، سید مهدی، قریاری، محمد امین، (۱۴۰۴)، بررسی پدیده های صوری در ابزار توافق باز خرید اسلامی در بازار بانکی ایران، آموزهای اقتصاد اسلامی، دوره ۱، ش ۲، ص ۳۰۱-۳۲۴.
۴۲. مصطفوی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۷) صد قاعده فقهی، قم، نشر اسلامی.
۴۳. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۹۹۳) مجمع الفائده، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۵۳) تفسیر نمونه، طهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱) القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۴۶. مصباحی مقدم، غلامرضا و صفری، محمد؛ (۱۳۸۸) بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه های اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۳۶، ص ۱۲۴.
۴۷. موسویان، سید عباس، (۱۳۷۶) پس انداز و سرمایه گذاری در اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۸. میرمعزی، سیدحسین، (۱۳۸۸) ترسیم نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه سفیر، شماره ۱۴، ص ۶۰-۷۵.

۴۹. میلانی، سید هادی، (۱۳۹۱) محاضرات فی فقه الامامیه، مشهد، دانشگاه فردوسی.

۵۰. مصطفوی، سعادت، حبیب زاده، طاهر، تقی پور، محمد (۱۴۰۳)، بازتعریف فقهی حقوقی ماهیت قرارداد سرمایه گذاری
خطرپذیر؛ کاوشی در شبهات غرری و سفهی بودن آن، فصلنامه علمی پژوهش نامه حقوق اسلامی، شماره ۳، دوره
۲۵، ص ۴۹۱-۵۳۸.

۵۱. وافدی، محمد بن عمر، (۱۳۶۶) مغازی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

پیش از انتشار (ناوبر است)